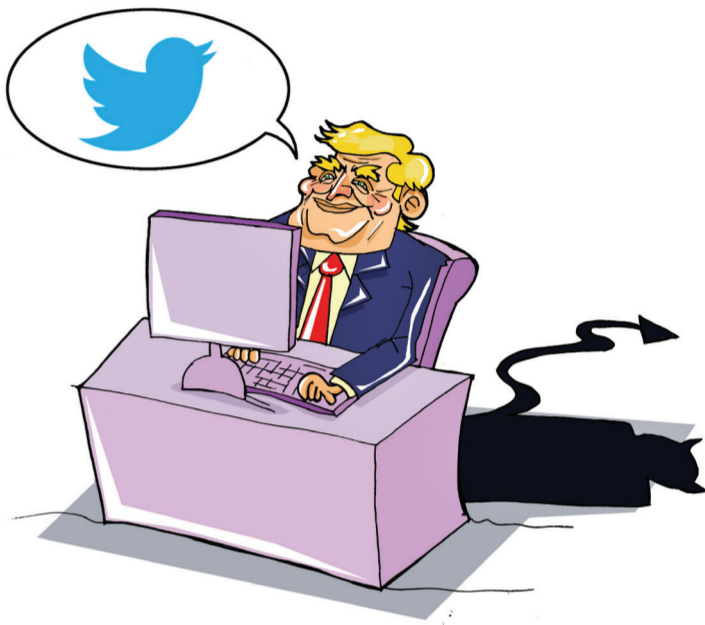




سید هاشم طرز راه را
مستقیم بچشمه می‌پوشاند

کاری از باشگاه طنز انقلاب اسلامی
rahrahtanz.ir @tanzym



داوود افزای

اشتراک طلایی ذرت بوداده

همزمان با فروش بلیت تئاتر با قیمت بالای ۲۰۰ هزار تومان بزودی شاهد ارائه خدماتی دیگر از جمله موارد زیر خواهیم بود:

- فروش ذرت بوداده با قابلیت جویده شدن بدون صدا با قیمت دونه‌ای پانصد تومن، بسته‌های هزار تایی مناسب برای تئاتر ۴۵ دقیقه‌ای، یا تخفیف استثنایی ۴۹۸ هزار تومن.
- سلفی با بازیگران تئاتر، حین اجرا با گرم مخصوص و حس صحنه هر عکس ۱۵۰ هزار تومن، بعد از نمایش با چهره خسته بازیگر هر عکس ۳۰۰ هزار تومن.
- کتابی شامل امضای بازیگران و کارگردان با ورق لایسه به همراه گل خشک‌شده و یو شده توسط عوامل نمایش به همراه دی وی دی فیلم، ۴۰۰ هزار تومن.
- خاک صحنه مناسب جهت خوردن، هر مقدار به همراه دکمه لباس نقش اصلی نمایش ۳۵۰ هزار تومن، بدون دکمه هم ۳۵۰ هزار تومن!
- بلیت سینما برای اکران خصوصی فیلم به صورت اقساط با باز پرداخت سه ماهه صندلی وسط با زایه دید خوب با تخفیف ۴۸۰ هزار تومن.
- چیپس و پنک با بسته بندی بدون خش‌خش و صدای مزاحم برای بغل‌دستی و پشت سری در سالن سینما هر بسته ۲۵ هزار تومن.
- اشتراک طلایی اجاره ورود رایگان به انواع سالن‌های تئاتر و سینما بعد از سه‌بار تماشای یک تئاتر با بلیت ۳۵۰ هزار تومانی به مدت یک‌ماه.
- از سایر محصولات لاکچری ما دیدن فرمایید.

مارکو غلط می‌کند با آمریکا

اخیراً در خبرها خواندید که آمریکا یک شرکت صادر کننده داروهای گیاهی را هم در لیست تحریم های هوشمندانه اش قرار داده.

در این مطلب گزارش محرمانه ای را که باعث اعمال این تحریم شده افشا می‌کنیم.



محمد رضا رضایی



از: یک مقام آگاه دل‌سوز
به: چند مقام ناآگاه دل‌سوز

ایرانی‌ها فناوری‌ای دارند که به آن طب گیاهی می‌گویند و در تمام این سال‌ها با همین فناوری هم خودشان دوام آورده اند و هم باقی کشورها را مقاوم کرده اند. در ادامه چند مصداق این فناوری را ذکر می‌کنم، بلکه بالاخره بد از چهل سال کمر ایران را بشکنیم.

عرق نماغ: این دارو برای ۹۹ درصد بیماری‌ها در ایران توسط پزشکان حاذق خانواده یعنی مادر بزرگ هایشان تجویز می‌شود و قابلیت درمان سرماخوردگی تا سرطان خون را دارد. بد مصب خیلی هم تلخ است و اصلا شبیه آن عرق هایی که ما می‌شناسیم نیست.

گل گاوزبان: شما یک آدمی را در نظر بگیرید که چکش برگشت می‌خورد، با ماشین تصادف می‌کند، پولش را می‌دزدند، از ۱۰ نفر کتک می‌خورند، تیم فوتبالی می‌بازد ولی آخر شب با خوردن یک گل گاوزبان آرامش پیدا می‌کند و می‌نشیند خندوانه می‌بیند، خوب این آدم را می‌شود با تحریم ترساند؟

زعفران: شما همان آدم با ویژگی های قبلی را در نظر بگیرید، بلکه کمی گرفتار تر، بعد به همان آدم یک چای زعفران بدهید، در عین خندش و عین خیاالش هم نیست که فردا مامور با حکم جلب می‌آید در خانه اش، ناموسا این فرد را می‌شود با تحریم ترساند؟

سیر: سیر را خاصیت فراوان است و درمان ریزش مو می‌کند، بعد شما تصور کنید از همین سیر شامپو درست می‌کنند و می‌مانند به سرشان، خود سیر حتی در رویایش هم نمی‌دید یک روز از او شامپو درست کنند.

حالا به نظر شما مردمی را که چنین فناوری هایی برای مقابله با مشکلات زندگی دارند یک تحریم فکستی از پا در می‌آورند، باید شرکت های فراوری و صادرات این داروهای قوی را تحریم کرد بلکه تازه تحریم ها اثر کنند.

خواهشمند است اقدامات لازم را مبذول بفرمایید.

ناقصه سادات رضوی علوی نیو گول ایز کامینگ سوون!

یکی بود یکی نبود یک روز شنگول و منگول بدون حبه عسکول توی خونه نشسته بودند و مامان بزی رفته بود سر کار.

چند دقیقه گذشت و گرگه رنگ رازد و گفت: منم منم مادر تون، هرچی بخواید آوردم براتون!

شنگول از اینون تصویری دید که گرگه است، خواست بگوید من خودم مشغول فیلنامه فروشنده اصغر فرهادی بودم! اما به سرش زد که گرگه را شغفل کند پس گفت: دستت رو بگیر جلوی چشمی ایفون، گرگه دستش را نشان داد و شنگول گفت: مامان بزی ما ناخن هاش ایملسته! بعد با منگول هار هار خندیدند.

گرگه رفت ناخن هایش را ایملست کند که با دیدن قیمت با کلبه نسوج، ناخن های دست و پا و اندک گوشت مانده بر تنش ریخت.

دوباره صدای رنگ شنیده شد و اینبار از ایفون فقط یک گونی پر بزی دیده می‌شد. گرگه از در صفاقت وارد شد و گفت من نه تونم، نه دوست دارم باشم. تو این گرونی مرغ و تخم مرغ، هم من از گروستگی می‌میرم هم شما، شما این بزی رو بخورید، منم شما رو.

شنگول گفت ما رو که مامان بابا نیم‌خون و گرنه تو ورژن جدید با شعار فرزند کمتر حبه عسکول رو حذف نمی‌کردن! کوا این وضعیت خونه کورب خاتم هم محاله بتونیم بزی بخوریم! بابا هاش بنشینم.

منگول هم گفت ازه به پاپان سیر بهتر از گروستگی بی‌پاپانه. در ا سار کردند. در همین لحظه مامان بزی با همان گونی پر بزی محکم توی سیر شنگول و منگول زد و گفت: خاک تو سرتون برمه های بزدل صدای منم نمی‌شناسید؟ کوا حسکت با اون گونی اش می‌فهمید گروستگاش شده کی رو باید صدا کنسه؟! چرا انقدر بی‌خامدی احمه؟! تو این جنگل کلی با گرگه بسته که فراداش گوشت بزینتی نشده باشه؟! می‌خواهید هر کی رسید بزخون کنه؟

مامان بزی همچنان غر می‌زد و شنگول و منگول که در ورژن جدید باز هم گول خورده بودند از ادامه همکاری با این قصه انصراف دادند و رفتند توی انقلش به توبه کرم فکر کنند.

سحر فتنی کف‌گرگی، زیرزانو، کله!

آخرین رکورد در رأی دادن فعلاً ۲۰ دقیقه است.

یکی از سخت‌ترین مسئولیت‌های یک نماینده مجلس است که خیلی‌ها برای رسیدن به این شغل، هزینه می‌کنند حتی پس تصمیم گرفتیم به برخی از شرایط سخت کار نمایندگی بپردازیم تا بدانید همچین الکی هم نیست.

۱. برای اینکه نماینده شوید باید در عکاسی مهارت خوبی داشته باشید در این حد که با گوشی موبایل عکس HD بگیرید، ضمن اینکه این عکس‌ها باید سلفی باشد، طوری که تمام مجلس را در یک نما با تمام قد سوزه موردرنفر، در تصویر جای دهید.

۲. در این شغل سرعت عمل جسمانی و روحانی حرف اول را می‌زند، شما باید هم‌زمان که جسمتان در مجلس است و روحتان از هیچ چیز خبر ندارد و با انگشت شستتان دارید ضربه نهایی را برای جارو کردن سسکه‌ها می‌زنید، رای هم بدهید.

۳. علاوه بر موارد فوق، گفتن مسلسل وار «و»، کف‌گرگی، زرزانو و کله و نیز مهارت‌های مورد نیاز شما برای نمایندگی است.



فرشته موسوی

سرانه؛ از توهم تا واقعیت!

آمارهای سرانه مطالعه را که زیر و رو کنید از شیر مرغ تا جان آدمیزاد که هیچ، از دو دقیقه تا ۷۹ دقیقه مطالعه در روز هم پیدا می‌شود. این شد که بر آن شدیم ببینیم این اختلاف ناشی از چیست، فهمیدیم ای دل غافل، یک سری مطالعات جدی اصلا توی بعضی آمارها لحاظ نشده! مثلا چی؟

۱- دارید از جلوی بقالی محل رد می‌شوید، اگر دیکته پنجم دبستانان بالای ۱۵ شده باشد، یا یک نگاه این جملات را خواهید خواند: "توقف بیجا مانع کسب است"، "از دادن وجه دستنی و تسویه معذوریم"، "رب با ارز دولتی موجود نمی‌باشد، لطفاً سؤال نفرمایید"، "قسمت هشتصد و چهل و پنجم سریال فرحزاد رسید" و...

۲- همپطور که دارید در جاده رانندگی می‌کنید و تمام حواستان به جاده است، حداقل روزی سه بار با این جملات مواجه خواهید شد: "یوق نزن، سالار خسته‌ست"، "بر چشم سد لعنت"، "قابلیت فرار از مدرسه"، "بیمه دعای مادرم" و...

۳- اگر وضعیت مزاج‌تان رویارها باشد و روزی سه چهار بار برای فضای حاجت اقدام کنید، حداقل سه تا از این جمله‌ها

چشماتان را نوازش خواهند داد: "عده ما خروسخون"، "گوباره سبز خواهیم شد"، "لطفاً پس از اتمام کار، شلنگ را سرجای خود قرار دهید" و...

۴- همین که پامپاسانتان را باز می‌کنید علاوه بر جوک‌هایی که شوهر همه تسوی گروه می‌گذارند و به ناچار مطالعه می‌کنید، شاهد جملاتی چون Amme ing typing یا ing typing Amme and Maman are typing امم اینگ تایپینگ خواهید بود. بعد بپوش می‌شود Connecting را می‌خوانید!

۵- برای آخرین بار لیست خرید را نگاه می‌کنید که چیزی از قلم نرفته؛ سسبیزمینی متوسط، سس، بادمجون قلمی (۳-۴) تا، بیشتر نگیریا میمونه خراب میشه، نون.

با یک حساب سرانگشتی می‌توان فهمید که سرانه مطالعه ۷۹ دقیقه‌ای چگونه حاصل شده است و آن آمار دو دقیقه‌ای هم مثل الباقی قضایا، کار خودشونه! اصلا همین شعبانی که متن پیش‌رو را می‌خوانید، دارید جور همسایه بغلی‌تان را که دارد با گوشه‌اشی بازی می‌کند، می‌کشید.



شیء پریشان شده

آمد خبر از مرکز بیکانه شناسی در منطقه پینا شده یک شیء انسانی

چیزی که ندیده‌اند حتی هیچ شیشش با دیدن آن کرده یکی از هیجان، غش

حجمش کم و مشکوک و پر از حس هراس است تویش پر و از منظره خارجه، تاس است

دارای سر و شکل پریشان و نجسی ست معلوم نگشته ست که آن بی سر و پا چیست

پُر شد همه جا از خبر رویت آن شیء، پیچیده به گوش همگان صحبت آن شیء،

یک تیم تجسس به محل رفت سریعاً تا اینکه شود مسئله حل، رفت سریعاً

وقتی که رسیدند به آن حوال و حوالی یک حلقه دره زده بودند اهلی

گفتند به شدت نخورد هیچ شیء کمی رفتند به سرعت وسط حلقه مردم

از دیدن آن شیء، شلکند چنان سس و ماننددهان همه اعضای تجسس

گفتند که یک گونه نادر ز فسیل است انگار که با ریشه و دانا و امیل است

یا نماند به گمان فاقد ارزش بود این چیز اصلا نکند بوده بسی پر خطر و جیز؟!

گفتند مصرانه که یک چیز غنایی ست انگار که محصول زمین نیست، فضایی ست

بعد از دو سه ساعت جدل و بحث مفصل شد بیشتر از پیش پر از شایبه، معضل

گفتند به تکرار همه باهم و یکدست یک چیز عجیب است و عجیب است و عجیب است

یکدفعه کسی از وسط جمع صدا زد: بپیر آمده اینجا بگناید شود زده

بپیر همه به سختی فراوان با دلخوره می‌رفت به بالای سر آن

تا اینکه دو چشمش به همان شیء، بیفتاد گفتا عینا یاز از اینپشت که این دانا!

گفتند سریعاً همه، این چیست بگو بپیر! او گفت دروغا که شده سخت زمینگیر

این عامل دانا شدن بشر نوح بود افسوس که گوش شنوای همه گر بود

از بس که نخواندندش و وقمش ننهاندن حالا همه دارای زن سوه سواندن

دیدار چنین منظره ای عین عذاب است این شیء پریشان شده بیچاره کتاب است!

از صحبت آن بپیر همه جامه بدیدند انگاه همه سوی بیابان بدویدند.

با ما تماسید!
ایرانه: rahrahtanz.ir
شوش: tanzym_ir
تهران: tanzym_ir
تهران: tanzym_ir

ترامیپولوژی

حقی تصور اینکه آخوندی تو تهران کلتگ زنی کنه و خیرنگارا برسن خیلی و خوشکتاب بود.
من که خودمو جای خیرنگارا گذاشتم کلم درد گرفت.
علی پرتوی

طبقه لایسی و پایینی مون با به بارون انقدر درجه شوفاژو برسن بالا که اتاق من الان حکم طبقه وسط فر با دمای ۱۸۰ درجه فارنهایت رو داره! | کلملا مناسب طبخ غنا

تلماسی تحریم های پولسی و بانکی و تسلیحاتی بالمهر لغو شد.
تنها با آمدن بلاتون به استادم آزاد! | ابراهیم کاظمی

درس هالیم میرس ریطش چیستا!
چون که لیسانس من ترامپولوژی استا!

پس کردم به آزمون و خطا
دامداری و دام دوشی را

من و مطالعه یهویی!

- سعی کنید با کمی تحقیق فرقی فروشنده لازم تحریر را با کتابفروشی بفهمید. کتاب همان چیزهای مستطیلی شکل است که تویش چیزهایی نوشته شده است!
- کسی را پیدا کنید دوستی، فامیلی، آشنایی، فرقی نمی‌کند فقط لازم است نگفت اشاره داشته باشد.
- دست خود را به سمت قفسه‌ها دراز کنید و از آن چیزهای مستطیلی شکل بردارید.
- قلب نکنید و به شماره یک بروید!
- شماره ۷ را با چند کتاب تکرار کنید.
- احتمالاً فروشنده به‌جای پول خرد باقیمانده به شما کتاب بی‌شعوری را می‌دهد، آن را هم بردارید.
- به کتابفروشی باز گردید و از فروشنده بخواهید با کسر مبلغی کتابها را مرجوع کند.
- عکس‌های گرفته شده در شماره ۷ و ۱۱ را استوری و پست کنید.
- سعی کنید با کمی تحقیق فرقی فروشنده لازم تحریر را با کتابفروشی بفهمید. کتاب همان چیزهای مستطیلی شکل است که تویش چیزهایی نوشته شده است!
- لای چیز مستطیلی شکل را باز کنید اگر چیزی درونش نوشته شده بود به شماره بعد بروید ولی اگر سفید بود به شماره یک بروید.
- حالا که مطمئن هستید چیزی که در دستانت شمس است، از کسی که در شماره ۲ پیدا کرده‌اید بخواهید تا تا کمک انگشت نشانش و گوشش شما به گونه‌ای که مثلا نمونه نشده‌اید از شما عکس بگیرد.
- به صندوق بروید و کتاب‌های خوشگل تر را حساب کنید.
- به منزل بروید و از کتابها به همراه گل‌های پرپر شده، لنز ۱۸-۱۳۵، لیوان سرامیکی و هندزفری عکس تهیه کنید.
- کتاب بی‌شعوری را نمی‌خواهد پس بدهید.
- پایان
- عکس‌های گرفته شده در شماره ۷ و ۱۱ را استوری و پست کنید.

گوریتیم کتابخوانی

سر دبیر: بهزاد توفیق‌فر
دبیر تحریریه: فووغ زال
دبیر سروس: شعر زهرا فرقاتی
دبیر سروس: کارن تون، کامران باری
دبیر فنی: امیرحسن محمدپور
صفحه بندی: مجتبی سالاری

ضمیمه طنز راه راه
کاری از باشگاه طنز انقلاب اسلامی